



رود جسورانه میلیاردی ترک به بازار نیکل

رابرت یوکسل بیلدریم، میلیاردی ترک با اختصاص دو میلیارد دلار سرمایه، به دنبال خرید معادن نیکل است؛ اقدامی به منظور پاسخ به نیاز کشورهای غربی برای کاهش وابستگی به چین انجام خواهد شد. وی با اتکا به این باور که قیمت این فلز مورد استفاده در باتری‌ها افزایش خواهد یافت و کشورهای غربی نیز به دنبال کاهش وابستگی به چین هستند، به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری در معادن نیکل است.

بیلدریم که ثروت خود را از طریق فعالیت در صنایع کروم و کشتیرانی تحت مجموعه خانوادگی «Yildirim Holding» به دست آورده، در سال ۲۰۲۵ این بخش‌ها را در قالب شرکتی تازه تاسیس به نام «CoreX Holding» ادغام کرده است. در حال حاضر این شرکت جدید دارای برخی واحدهای فرآوری نیکل است و بیلدریم با توجه به افت چندساله قیمت این فلز، زمان را برای افزایش سرمایه‌گذاری در این حوزه مناسب می‌داند.

کاهش قیمت نیکل به دلیل افزایش تولید شرکت‌های چینی در اندونزی است؛ موضوعی که برخی شرکت‌های معدنی بزرگ را به فروش دارایی‌های پرهزینه خود وادار کرده است. با این حال، بیلدریم بر این باور است که می‌تواند این دارایی‌ها را از طریق بهبود بهره‌وری عملیاتی و تمرکز اولیه بر محصولاتی با محتوای نیکل بالاتر نسبت به نیکل کم‌عیار چینی به سودآوری برساند.

وی با بیان اینکه قیمت نیکل طی دو تا سه سال آینده افزایش خواهد یافت، افزود: زمانی وارد بازار نیکل می‌شویم که دیگران در حال ترک آن هستند.

سرمایه‌گذاری بیلدریم در حوزه نیکل، هم‌زمان با افزایش تمرکز کشورهای غربی بر فلزات حیاتی صورت می‌گیرد؛ فلزاتی که در دوران گذار انرژی، به عنوان مولفه‌ای راهبردی برای امنیت ملی شناخته می‌شوند.

ناگفته نماند که چین، همچنان بازیگر اصلی این بازار به شمار می‌رود؛ چه به واسطه ظرفیت‌های داخلی و چه از مسیر سرمایه‌گذاری در کشورهای نظیر اندونزی. بیلدریم تاکنون حدود ۵۰۰ میلیون دلار در پروژه‌های نیکل سرمایه‌گذاری کرده است؛ از جمله نخستین خرید شرکت «CoreX» که در ماه دسامبر ۲۰۲۴ با در اختیار گرفتن اکثریت سهام شرکت معدنی «Compagnie Minière Du Bafing SA» در ساحل عاج انجام شد. همچنین چند واحد تولید فروتنیکل در مقدونیه شمالی و جمهوری کوزوو که پیش‌تر متعلق به هلدینگ خانوادگی وی بودند نیز به «CoreX» منتقل شده‌اند.

سایر دارایی‌های معدنی و فلزی وی شامل کارخانه‌های فرآوری؛ در سوئد و روسیه، یک واحد کروم و مواد شیمیایی در ایالات متحده آمریکا و چندین شرکت معدنی در قزاقستان می‌شوند.

بیلدریم اعلام کرده است که دو میلیارد دلار دیگر برای معاملات آتی در نظر گرفته و در حال حاضر نیز مذاکراتی برای خرید ۶ معدن در کمبلیا، گواتمالا و کشورهای آفریقایی در جریان دارد؛ هرچند جزئیاتی در این زمینه ارائه نکرده است. وی همچنین قصد دارد با افزایش مقیاس فعالیت‌های خود، کشتی‌های جدیدی سفارش دهد تا زنجیره تامین از استخراج تا حمل‌ونقل را تحت کنترل داشته باشد.

هدف اصلی این میلیاردی ترکیه‌ای، ارائه جایگزینی مطمئن برای نیکل چینی در بازارهای اروپا و آمریکا است؛ ابتدا در صنعت فولاد رنگ‌نزن که با کسب‌وکار کروم وی هم‌راستا است و در ادامه در حوزه باتری‌ها و سپس سایر فلزات حیاتی نظیر مس، طلا و روی. چین در حال حاضر نقش مسلطی در بازار فلزات حیاتی دارد و کشورهای غربی تلاش می‌کنند با تقویت تولید داخلی و انعقاد پیمان‌های تجاری، وابستگی خود را به این کشور کاهش دهند.

بیلدریم برای تامین مالی پروژه‌های نیکل خود، در حال مذاکره با طیف متنوعی از سرمایه‌گذاران است؛ از صندوق‌های حاکمیتی و زیرساختی گرفته تا دفاتر سرمایه‌گذاری خانوادگی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی.

معامله تا کام با شرکت «Anglo American»
مسیر سرمایه‌گذاری بیلدریم بدون مانع نبوده است. شرکت «CoreX» امسال تلاش کرد واحد نیکل شرکت «Anglo American» را در برزیل خریداری کند اما در رقابت با شرکت «MMG» شکست خورد. وی اظهار داشت: با پشتیبانی مالی گروه «UBS»، پیشنهادی ۹۰۰ میلیون دلاری ارائه داده بودیم و حتی مذاکرات قرارداد نیز پیش رفته بود اما طرف مقابل هیچ‌گاه دلیل رد این پیشنهاد را روشن نکرد.

در روند واگذاری دارایی‌ها، ترجیح فروشندگان به شرکت‌های معدنی با سابقه و تثبیت شده امری رایج است؛ چراکه این دسته از شرکت‌ها معمولاً از لحاظ تامین مالی وضعیت بانبات‌تری دارند. شرکت «MMG»، زیرمجموعه شرکت دولتی «China Minmetals» با داشتن معادنی در سراسر جهان، از جمله معدن بزرگ «Las Bambas» در پرو دقیقاً یکی از همین شرکت‌ها است.

بیلدریم در تصمیم شرکت «Anglo American» شدیداً انتقاد کرده است و آن را نقطه عطفی در سرنوشت بازار نیکل می‌خواند. شرکت «Anglo American» نیز در پاسخ اعلام کرده است که امکان اظهار نظر درباره طرف‌های دخیل در این معامله را ندارد.

بیلدریم در پایان اظهار داشت: چین این دارایی بسیار مهم را از دست کشورهای غربی خارج کرده و مقصر اصلی نیز شرکت «Anglo American» است.

چالش‌های تأمین قراضه فولادی در ایران را وا کاوی کرد

رقابت نابرابر ایران و ترکیه در بازار قراضه



قراضه فولادی امروز به یکی از مهم‌ترین مواد اولیه صنعت فولاد جهان تبدیل شده و بسیاری از کشورها با تکیه بر آن، هزینه‌های تولید، مصرف انرژی و انتشار آلاینده‌ها را کاهش داده‌اند. در این میان، ترکیه به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده قراضه جهان، با بهره‌گیری از زیرساخت‌های مناسب و زنجیره تأمین کارآمد، جایگاه ویژه‌ای در این بازار به دست آورده است.

در مقابل، ایران با وجود ظرفیت بالای تولید فولاد و همسایگی با ترکیه، در تأمین اقتصادی قراضه با چالش‌هایی مانند هزینه بالای واردات، محدودیت‌های لجستیکی و شرایط تجاری روبه‌رو است. بررسی‌ها نشان می‌دهد قیمت تمام‌شده قراضه وارداتی برای فولادسازان ایرانی از سطح رقابتی منطقه بالاتر بوده و همین مسئله، واردات این ماده اولیه را از صرفه اقتصادی خارج کرده است. صمت در این گزارش، دلایل این فاصله و پیامدهای آن برای صنعت فولاد کشور را بررسی می‌کند.

قراضه فولادی گران

نظر می‌رسد که متوسط قیمت قراضه صادراتی در منطقه خاورمیانه بیشتر از منطقه شرق آسیا باشد.

با توجه به موارد فوق و اینکه در واردات قراضه به کشور، قیمت‌ها بر اساس نرخ ارز آزاد تعیین می‌شود، طبعاً واردات قراضه از امارات به ایران فاقد صرفه اقتصادی است. از این‌رو، متقاضیان قراضه فولادی در داخل کشور می‌توانند با در نظر گرفتن مواردی نظیر کیفیت قراضه‌های صادراتی از کشورهای شرق آسیا و هزینه‌های مرتبط با حمل و نقل و... امکان واردات ارزان‌تر قراضه از این کشورها را مورد بررسی قرار دهند. البته همانطور که پیش‌تر عنوان شد، مقایسه قیمت‌های واردات قراضه حتی از کشورهای چین و ژاپن نیز نشان می‌دهد که بهای تمام‌شده تأمین این ماده اولیه برای واحدهای فولادسازی ایران، بیشتر از سطح رقابتی منطقه‌ای است و از این‌رو، واردات قراضه آهنی در شرایط فعلی، نه تنها فاقد صرفه اقتصادی است، بلکه می‌تواند فشار هزینه‌ای قابل‌توجهی بر تولیدکنندگان داخلی وارد سازد. به عنوان نمونه، گرچه ژاپن ارزان‌ترین قراضه فولادی را در میان سه کشور مورد بررسی صادر می‌کند، ولی فاصله زیاد ژاپن تا ایران، جانمایی نامطلوب واحدهای فولادی کشور و نرخ‌ها و ریسک‌های بیشتر حمل‌ونقل، بخشی از مزیت‌های واردات از ژاپن را خنثی کرده و در نهایت واردات از این کشور، حدود ۴۶ دلار بر تن گران‌تر از میانگین قیمت قراضه وارداتی به ترکیه در سال ۲۰۲۵ بوده است. علاوه بر این، ژاپن عمدتاً بازارهای آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا همچون ویتنام (۲.۶ میلیون تن)، کره جنوبی (۱.۵ میلیون تن) و تایوان (۶۷۰ هزار تن) را هدف قرار داده و تمرکز کمتری بر بازارهای دورتر نظیر منطقه خاورمیانه دارد.

در مجموع، بررسی وضعیت بازار قراضه آهنی در منطقه نشان می‌دهد که ایران با وجود مجاورت جغرافیایی با بزرگ‌ترین واردکننده قراضه جهان، یعنی ترکیه، در موقعیتی نامطلوب در تأمین قراضه فولادی قرار گرفته است که ریشه در اقتصاد خاص زنجیره فولاد کشور، امکان تأمین مواد اولیه جایگزین ارزان‌تر و بهای کمتر انرژی دارد. تجار بین‌المللی قراضه نیز در تصمیم‌گیری‌های خود ترجیح می‌دهند محموله‌هایشان را به بازاری همچون ترکیه ارسال کنند که مزیت‌هایی نظیر عدم شمول تحریم‌های تجاری و بانکی، شرایط پرداخت مطمئن‌تر و زیرساخت‌های لجستیکی پیشرفته را در مقایسه با ایران در اختیار دارد.

با در نظر گرفتن موارد فوق، شرایط خاص اقتصادی و ارزی کشور و اینکه تولیدکنندگان فولاد در داخل ایران می‌توانند مواد اولیه دیگر نظیر آهن اسفنجی را با قیمت پایین‌تر از بازارهای بین‌المللی تهیه کنند، موجب می‌شود در آینده‌های نزدیک واردات قراضه فولادی به کشور نتواند حتی به سطوح دو دهه قبل خود بازگردد.

کشور را به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده قراضه آهنی در جهان و یکی از تولیدکنندگان اصلی محصولات فولادی با ارزش‌افزوده بالا، تثبیت کرده و موجب شکل‌گیری تقاضای پیوسته‌ای در بازار قراضه برای این کشور شده است که طبعاً واردات قراضه در مقیاس وسیع و با قیمت مناسب را برای این کشور به دنبال دارد. در بازه زمانی سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، قیمت قراضه آهنی وارداتی ترکیه بین ۳۲۰ تا ۴۳۰ دلار به‌ازای هر تن در نوسان بوده است؛ این در حالی است که متوسط تأمین قراضه برای ایران از سه کشور بالقوه در سال ۲۰۲۵ حدود ۴۸۰ دلار بر تن و به مراتب بالاتر از ترکیه بوده است. توانمندی ترکیه در تأمین قراضه با شرایط قیمتی رقابتی‌تر و از سوی دیگر وجود مواد اولیه ارزان‌تر جایگزین نظیر آهن اسفنجی در ایران، سبب شده واردات قراضه فولادی به کشور در دهه اخیر روندی نزولی به خود گرفته و به کمتر از یک هزار تن در این سال برسد.

نکته قابل توجه در این میان، بهای تمام‌شده کمتر قراضه وارداتی از کشورهای چین و ژاپن به ایران در مقایسه با کشورهای امارات است. علی‌رغم نزدیکی جغرافیایی کشور امارات متحده عربی به ایران، هزینه تأمین قراضه از این کشور به‌طور قابل‌توجهی بالاتر است که این موضوع می‌تواند ریشه در کیفیت بالای قراضه صادراتی امارات و تفاوت قیمت‌ها در بازارهای منطقه‌ای داشته باشد.

کشورهای چین و ژاپن، از بزرگ‌ترین کشورهای تولید و مصرف‌کننده فولاد در جهان محسوب می‌شوند که طبعاً تأمین و مصرف قراضه فولادی در این کشورها، به مراتب بیشتر از کشورهای نظیر امارات است. همچنین صادرات قراضه امارات از کل مصرف فولاد در سال ۲۰۲۴، حدود ۱۹ درصد بوده است؛ این در حالی است که این نسبت برای ژاپن حدود ۳ درصد و برای چین حدود ۰.۱ درصد است. به عبارتی حجم بالای تولید فولاد در کشورهای چین و ژاپن و بازار بزرگ عرضه و تقاضا، باعث می‌شود قراضه صادراتی از این کشورها که طبعاً مزاد بر نیاز داخلی آنها بوده است، یا با کیفیت کمتر و یا در شرایطی از سال صادر شود که قیمت کمتری برای این محموله‌ها در دسترس بوده است.

بازار قراضه در امارات، شرایط متفاوتی با چین و ژاپن دارد. بررسی آمار واردات قراضه امارات، حاکی از این موضوع است که عمده قراضه صادراتی این کشور، از منابع داخلی تأمین شده است و صادرات مجدد، سهم کمی در تجارت خارجی امارات دارد. از سویی دیگر، قدمت کمتر توسعه یافتگی این کشور، احتمالاً باعث شده کیفیت و ترکیب قراضه صادراتی امارات، بهتر از کشورهای چین و ژاپن باشد. با نظرداشت تفاوت قیمت‌های منطقه‌ای بازار فولاد و تأکید بر این نکته که منطقه خاورمیانه، کشور ترکیه را به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده قراضه در خود جای داده است، طبیعی به

ایران با توجه به همسایگی با ترکیه به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده قراضه جهان، در موقعیتی غیررقابتی قرار دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد هزینه تمام‌شده واردات قراضه برای واحدهای فولادسازی ایران به‌طور قابل‌توجهی بالاتر از میانگین منطقه‌ای است و در نتیجه، واردات در شرایط فعلی در شرایط نامطلوبی قرار دارد.

فاصله نسبتاً زیاد تأمین‌کنندگان بالقوه تا ایران، جانمایی نامطلوب واحدهای فولادی و نرخ‌های بالای حمل‌ونقل و ریسک مسیر، مزیت‌های صادراتی به ایران را کاهش داده و واردات قراضه به کشور در مسیر نزولی قرار گرفته و به کمتر از یک هزار تن در سال رسیده است. در شرایطی که امکان تأمین ارزان‌تر قراضه از کشورهای نظیر چین و ژاپن وجود دارد، ولی این کشورها عمدتاً بازارهای شرق و جنوب شرق آسیا مانند ویتنام، کره جنوبی و تایوان را هدف قرار داده و تمرکز کمی بر خاورمیانه دارند. در این میان، تجار بین‌المللی قراضه نیز ترجیح می‌دهند محموله‌های خود را به ترکیه ارسال کنند که با برخورداری از زیرساخت‌های پیشرفته، شرایط پرداخت مطمئن‌تر و تقاضای مستمر، برتری محسوسی نسبت به ایران دارد.

قراضه آهنی به‌عنوان یکی از منابع حیاتی در صنعت فولاد، عمدتاً از فلزات بازیافت‌شده نظیر ضایعات صنعتی، قطعات دور ریز ساختمانی و خودروهایی از رده خارج به دست می‌آید و نقش مهمی در تأمین پایدار مواد اولیه این صنعت ایفا می‌کند. فرآیند جمع‌آوری، تفکیک و فرآوری قراضه‌های آهنی، زمینه تبدیل ضایعات به خوراک باکیفیت برای واحدهای ذوب را فراهم ساخته و به‌طور مستقیم موجب کاهش مصرف سنگ‌آهن، انرژی و انتشار آلاینده‌ها می‌شود. استفاده از قراضه در کوره‌های القایی، قوس الکتریکی (EAF) و بعضاً کوره‌های بلند، نه تنها به صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید فولاد کمک می‌کند، بلکه از منظر زیست‌محیطی نیز حایز اهمیت است و نقشی موثر در تحقق اهداف اقتصاد چرخه‌ای و کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی صنایع فولاد دارد. با وجود ظرفیت بالای تولید فولاد در ایران، محدودیت‌های موجود در جمع‌آوری و فرآوری قراضه داخلی سبب شده است تا نیاز به واردات در کشور وجود داشته باشد. واردات بهینه قراضه، مستلزم تحلیل جامع و دقیق و بررسی عوامل گوناگونی همچون هزینه‌های حمل‌ونقل، کیفیت محصول، زمان تحویل و ریسک‌های قانونی است تا ضمن تأمین پایدار خوراک فولاد، بهره‌وری زنجیره نیز حفظ شود؛ در همین راستا، انتخاب ترکیبی مناسب از منابع خارجی و اجرای برنامه‌ریزی دقیق لجستیکی، می‌تواند تضمین‌کننده کیفیت محصول نهایی و کاهش‌دهنده ریسک‌های عملیاتی در صنایع فولادسازی کشور باشد.

بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۵، متوسط هزینه تأمین یک تن قراضه در بنادر جنوبی ایران از سه کشور منتخب امارات متحده عربی، چین و ژاپن (به عنوان گزینه‌های محتمل و بالقوه برای تأمین قراضه کشور) به طور متوسط ۴۸۰ دلار بر تن و به تفکیک برای هر یک از این کشورها، به ترتیب حدود ۵۶۰ دلار، ۴۴۰ دلار و ۴۲۰ دلار برآورد شده است.

قیمت قراضه آهنی ترکیه به‌عنوان شاخص مرجع منطقه‌ای در بازار مدیترانه شناخته می‌شود و این کشور به‌دلیل بهای بالای انرژی در این کشور، صنعت فولادسازی خود را بر پایه استفاده حداکثری از قراضه فولادی، پایه‌گذاری کرده است. همین امر، جایگاه این

سخن پایانی

بازیافت، بهبود شبکه حمل‌ونقل و کاهش هزینه‌های زنجیره تأمین، می‌تواند راهکار مؤثرتری نسبت به اتکا به واردات باشد. در کنار آن، هرگونه بهبود در روابط تجاری، کاهش هزینه‌های مبادلات و تقویت زیرساخت‌های لجستیکی نیز می‌تواند در آینده شرایط رقابتی‌تری برای تأمین این ماده اولیه ایجاد کند. تا آن زمان، به نظر می‌رسد مزیت اصلی صنعت فولاد ایران همچنان بر استفاده از منابع داخلی، به‌ویژه آهن اسفنجی، استوار خواهد بود.

قراضه فولادی در جهان امروز به یکی از ارکان اصلی تولید فولاد کم‌هزینه و کم‌کربن تبدیل شده است، اما شرایط بازار ایران با بسیاری از کشورهای فولادساز تفاوت دارد. هزینه بالای واردات، محدودیت‌های لجستیکی، ریسک‌های تجاری و بانکی و مزیت نسبی استفاده از آهن اسفنجی باعث شده واردات قراضه برای فولادسازان ایرانی از توجیه اقتصادی کافی برخوردار نباشد. در چنین شرایطی، کارشناسان معتقدند افزایش بهره‌وری در جمع‌آوری و فرآوری قراضه داخلی، توسعه زیرساخت‌های

گروه معدن
editor@smtnews.ir



بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۵، متوسط هزینه تأمین یک تن قراضه جنوبی ایران از سه کشور منتخب امارات متحده عربی، چین و ژاپن (به عنوان گزینه‌های محتمل و بالقوه برای تأمین قراضه کشور) به طور متوسط ۴۸۰ دلار بر تن و به تفکیک برای هر یک از این کشورها، به ترتیب حدود ۵۶۰ دلار، ۴۴۰ دلار و ۴۲۰ دلار برآورد شده است